



مروری بر شاخص های پایداری اجتماعی در معماری و شهرسازی

زهرا حسن زاده^{1*}، دکتر محمد فرخ زاده²

1- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری موسسه آموزش عالی روزبهان، ساری، ایران

2- استادیار و عضو هیئت علمی گروه معماری دانشگاه گلستان، گرگان، ایران

Z_hassanzadeh91@yahoo.com

چکیده

مسئله معماری پایدار که در اواخر دهه 70 میلادی مطرح شده بود، نوعی نگرش در معماری است که در طراحی فضای شهر به محیط و مسائل مربوط به بوم شناختی نیز توجه دارد. در واقع معماری پایدار را می توان نوعی از معماری دانست که نسبت به ویژگی های، شرایط محیطی و مکانی پاسخگو بوده؛ و از قابلیت های محیط پیرامون خود در راستای ایجاد شرایطی مطلوب استفاده می کند به طوری که کمترین آسیب را به محیط وارد کند. این نوع از معماری دارای مولفه های: اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی است. جنبه ای از معماری پایدار که کمتر به آن توجه شده، پایداری اجتماعی است که عدم توجه به اصول پایدار اجتماعی؛ از جمله زیبایی شناختی، راحتی و آسایش، امنیت، هویت اجتماعی و... باعث از بین رفتن پویایی و روح زندگی در فضای شهری می شود و در مقابل توجه به شاخص های پایداری اجتماعی منجر به ایجاد حس مکان و تعلق خاطر نسبت به فضا میگردد. در مقاله حاضر که به روش کتابخانه ای جمع آوری شده است ضمن بررسی نیازهای انسان، تاثیر فرهنگ و شرایط محیطی به معرفی برخی از شاخص های پایداری اجتماعی می پردازیم.

واژه های کلیدی: معماری پایدار- پایداری اجتماعی- توسعه پایدار- شاخص های اجتماعی پایدار



مقدمه

رشد شتابان توسعه شهری و حضور گسترده صنعت و ماشین در معماری معاصر باعث تغییرات بنیادین در شکل و ساختار زیست بوم انسان ها نموده است که در موارد گسترده ای باعث آسیب های جدی به منابع زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی شده است. در دهه های پایانی قرن بیستم و شروع قرن بیست و یکم، پایداری به عنوان یکی از مباحث مطرح در کلیه عرصه ها، به ویژه در عرصه فضاهای شهری و معماری مطرح بوده است. طرح معماری پایدار در جهت تامین نیازهای امروز بدون آسیب زدن به منابع فردا صورت گرفته است و شامل مولفه هایی چون پایداری اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی می باشد (مهرگان و همکاران، 1392، 1).

وجه اقتصادی معمولاً به علت انگیزه های مالی و انتفاعی توسط سرمایه گذاران رعایت می گردد. حتی در اغلب اوقات به حد افراط مورد توجه قرار می گیرد و چه بسا مشکلاتی را نیز سبب می شود. مسائل زیست محیطی نیز به فراخور هر جامعه برای خود ضوابطی دارد و مورد توجه واقع می شود، اما آنچه مغفول می ماند وجه اجتماعی توسعه است (ضرغامی، 1389، 1). امروزه با مشخص شدن ناپایداری ها و ضررهای فراوان آن در مسیر توسعه، پارادایم پایداری به عنوان مسئله ای مهم و ضروری نمود یافته و در طی دو دهه اخیر، توجه مجامع جهانی را به خود جلب کرده است (جاودان و رکن الدین افتخاری، 1389، 2).

جامعه پایدار جامعه ای نیست که زندگی در آن همراه با محدودیت های همیشگی زیست محیطی و ساکن و بدون رشد باشد بلکه برعکس جامعه ای است که محدودیت های رشد را تشخیص داده و به دنبال راه ها و روش هایی جایگزین برای رشد باشد (Coomer, 1999:48).

پایداری

دهخدا پایداری را به معنای بادوام بودن، ماندنی، جاودان آورده است. بطور کلی پایداری را می توان به آنچه در آینده تداوم می یابد تعریف کرد. در یک چارچوب کلی می توان معماری پایدار را به معنای "خلق محیط پایدار انسان ساخت" تعبیر کرد (طاهریان و همکاران، 1394، 9).

پایداری در معماری را نمی توان یک سبک یا گرایش خاص، متعلق به زمان فعلی دانست چرا که نگرش و رویکردی اخلاقی مطرح می شود که در هر زمان و بر حسب هر شرایط حائز اهمیت و اعتبار است (طاهریان و همکاران، 1394، 9).

پایداری برای معماری صفتی است «ذاتی» و نه «عرضی» که قابل مفارقه یا تغییر باشد، «ضرورت» است نه «فضیلت»، و این ضرورت جنبه ی فرمایشی و برخاسته از جبر قرارداد ندارد، بلکه از نوع ضرورت ذاتی است (ایرانمنش و خواجه پور، 1393، 4). در منشور کنفرانس بین المللی "محیط و جامعه، تحصیل و آگاهی عمومی برای پایداری" - یونسکو و دولت یونان، 1997- نیز آمده است: "پایداری، در تحلیل نهایی، عبارت است از یک الزام معنوی و اخلاقی که تنوع فرهنگی و دانش سنتی باید در آن ملحوظ باشد." همچنانکه سلامتی و اخلاق برای یک انسان طبیعی، گزینه های اختیاری نیستند پایداری در معماری نیز از همین مقوله و برخوردار گزینه وار با آن به همان اندازه خطاست (ایرانمنش و خواجه پور، 1393، 4).

طرح معماری پایدار در مسیر نیل به معماری پاسخگو و حساس به محیط در اواخر دهه 70 میلادی، بازگو کننده نگره ای در طراحی و ساخت فضاهای انسانی است که برخوردی از حساسیت های بوم شناختی را برای برقراری فضای زیستی سالم با کیفیت و برخوردار از معانی و مفاهیم ارزشی- فرهنگی، توأمان با حفظ تعادل زیست محیط ضروری می داند (صیادی و مداحی، 1391).

اصطلاح پایداری نخستین بار در سال 1986 توسط کمیته جهانی گسترش محیط زیست تحت عنوان "رویا رویی با نیازهای عصر حاضر بدون به مخاطره انداختن منابع نسل آینده برای مقابله با نیازهایش" مطرح گردید و هر روز بر ابعاد و دامنه آن افزوده می شود تا استراتژی های مناسبی پیش روی جهانیان قرار گیرد (مهرگان و همکاران، 1392، 7).



توسعه پایدار، توسعه ای است که تامین کننده خدمات پایه ای در ابعاد زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی برای همه باشد، بدون تهدید و تخریب سیستم های طبیعی، مصنوع و یا اجتماعی که این خدمات به آن ها بستگی دارد (عزیزی، 1380، 20). به بیانی دیگر توسعه پایدار فرآیندی است که بر اساس بهبود وضعیت و از بین برنده کاستی های اجتماعی- فرهنگی جوامع است. هم چنین از توسعه پایدار به منزله ی نیروی محرکه پیشرفت متعادل، متناسب و هماهنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز یاد شده است (سلامی، 1376، 44).

معماری پایدار که در واقع زیر مجموعه طراحی پایدار است، را شاید بتوان یکی از جریان های مهم معاصر به حساب آورد که عکس العملی منطقی در برابر مسایل و مشکلات عصر صنعت به شمار می رود. طراحی پایدار نوعی از طراحی است که قصد دارد به نیازهای امروز بدون لطمه زدن به منابع نسل های آینده پاسخ دهد. (لنگ، 1390)

در واقع طراحی پایدار نوعی از معماری است که از حداکثر استعدادهای محیطی برای آسایش مصرف کنندگان سود می جوید و ابزارها و راهکارهای هوشمندانه ای در این راه بکار می گیرد، در این نوع معماری، بنا با موقعیت مکانی، شرایط اقلیمی، و طبیعت پیرامون خود تعامل و ارتباط متقابلی بوجود می آورد (جدایی و همکاران، 1390).

اهمیت بعد اجتماعی پایداری

معماری پایدار دارای جایگاه ویژه ای در معماری معاصر جهان و همچنین پاسخگوی مناسبی در برابر مشکلات عصر صنعت می باشد. اما در چند دهه اخیر در بحث پایداری بیشترین تاکید بر عوامل زیست محیطی و اقتصادی بوده و بعد اجتماعی آن کمرنگ دیده شده است. یکی از مولفه های مهم معماری پایدار، پایداری اجتماعی می باشد که به دلیل اهمیت خاص منابع انسانی در طراحی و برنامه ریزی معماری و ارجحیت آن بر منابع اکولوژیک و زیست محیطی، پایدار اجتماعی یکی از مهم ترین مولفه های طراحی پایدار می باشد.

این بعد بیشتر بر روی نیازهای انسان و عکس العمل های کیفی افراد به مکان ها توجه دارد و با توجه به اینکه نیازهای انسان تابع عوامل فرهنگی بوده است، پس یادآور رابطه دو طرفه انسان و فرهنگ می باشد (چاهوشی ساروی و جلالی مطهری، 1395، 1).

فضای معماری به دلیل سهم مهمش در شکل دهی به رفتارهای انسانی هم می تواند مانع ارتباطات و تعامل جمعی شده و هم می تواند سبب کنش متقابل جمعی گردد. بنابراین فضای معماری نقش یک نهاد و منبع جامعه پذیر را ایفا می نماید که با توجه به اینکه اشخاص در اکثر مواقع با محیطهای معماری و شهرسازی سر و کار دارند لذا فضای معماری بایستی به عنوان یک نهاد مهم و موثر در جامعه پذیری اشخاص مد نظر قرار گرفته شود (مهرگان و همکاران، 1392، 6).

پایداری اجتماعی زمانی محقق می شود که تقسیم کار اجتماعی و آرایش نهادها و سازمان ها، برآورده کننده نیازهای مختلف انسان باشد و این نظام ها به گونه ای شکل گرفته باشند که به طبیعت و ماهیت مولد آن در یک دوره زمانی طولانی آسیب وارد نکنند. همین طور به هنجارهای اجتماعی مانند عدالت اجتماعی و عزت نفس و مشارکت اجتماعی احترام بگذارند. هدف پایداری به حداقل رساندن نیازمندیهای اجتماعی در دوره ای طولانی از توسعه است که گاهی شاخص سرمایه اجتماعی خوانده می شود و سرانجام پایداری اجتماعی برای تعیین معضلات عملکردی اجتماعی به کار می رود. بنابراین پایداری اجتماعی به این مطلب توجه دارد که چگونه گروه های مختلف اجتماعی در کنار هم برای دستیابی به اهداف مدل های توسعه ای پایدار زندگی می کنند و چگونه می توانند به توسعه ای برسند که به محدودیت های فیزیکی و محیط زیستی توجه داشته باشد و کل هستی را به عنوان نظامی یکپارچه بنگرد. پایداری اجتماعی، سیاست های اجتماعی سنتی و اصیلی مانند برابری و سلامتی را با مفاهیم نوینبندی مانند مشارکت عمومی، سرمایه اجتماعی، خوشبختی و کیفیت زندگی تلفیق و جایگزین کرده است (Colantonio, 2009:16-18).

پایداری اجتماعی نسبت به سایر زمینه های پایداری، تاثیر مهم تر و بهتری بر سیاست های مرتبط با محیط زیست دارد، پایداری اجتماعی یک کیفیت اجتماعی است که بر ارتباطات طبیعت و اجتماع دلالت دارد و با فعالیت تلفیق شده است. بعد اجتماعی پایداری



منعکس کننده توسعه انسانی، به معنی پیشرفت به سمتی که همه افراد جامعه قادر شوند نیازهای ضروری خود را برآورده کنند: دست یافتن به یک سطح منطقی از آرامش، داشتن یک زندگی معنادار و هدفمند و با علاقه زندگی کردن، دسترسی به فرصت های برابر و عادلانه در بهداشت و آموزش برای همه بنابراین، توسعه انسانی یک هدف نهایی به حساب میاید به طوری که دیگر جنبه های مهم مانند توسعه اقتصادی وسیله محسوب میشوند (سالمی و همزهایی، 1390، 56).

پایداری اجتماعی در محیط زیست انسانی شرایطی را بوجود می آورد که ساکنان از شهر و محل زندگی خود رضایت داشته باشند، روابط و تعاملات اجتماعی را سبب می شود و در این راستا حس تعلق به مکان و دلبستگی را در انسان ایجاد می کند. در زمانی که متاسفانه بیشتر فضاهای موجود در شهرهای امروز بویژه کلان شهرها، در خطر از دست دادن حس مکان و از بین رفتن هویت خود می باشند (رزمجوی و نصر، 1394، 2).

یکی از بارزترین مشکلات فضاهای شهری امروز فقدان حس مکان است. حس مکان یکی از پارامترهای مهم در یک فضا محسوب می شود که حس تعلق خاطر فرد را به فضا منجر می شود که باعث حضور مشارکت فرد در یک فضا می شود فرد در این فضا احساس آرامش و آسایش می کند که در نتیجه باعث پایداری اجتماعی می شود (رزمجوی و نصر، 1394، 2).

تعریف پایداری اجتماعی

یکی از ابعاد مهم توسعه پایدار همانا پایداری اجتماعی است که به دلیل ماهیت خود کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. پایداری اجتماعی تحت عنوان زندگی سالم و بارور و هماهنگ با طبیعت تعریف شده است و بقا و حیات جامعه را همگام با حفظ کیفیت محیطی و مرتبط با نظام های اقتصادی در جهت دستیابی به بالاترین سطح رضایت از زندگی می داند. در تعریف پایداری اجتماعی، گروهی از محققان به چهار عنصر اصلی و تعیین کننده اشاره کردند: عدالت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت و امنیت. به معنای ارتقای کیفیت زندگی و توسعه منابع انسانی و در نهایت خود توانی اجتماعات محلی برای غلبه بر چالش ها و مسائل درونی و واکنش در برابر تغییرات درونی و واکنش در برابر تغییرات بیرونی و مدیریت حفظ ارزش هاست. در این معنا اهداف اجتماعی توسعه پایدار در مضامینی چون فرصت های برابر، توانمند سازی، ارتقای کیفیت زندگی، کرامت و حقوق انسانی، فقر زدایی، تنوع فرهنگی، همبستگی اجتماعی، ظرفیت سازی نهادی، امنیت اجتماعی، مسئولیت پذیری، رفاه اجتماعی و تعلق خاطر مکانی به شکلی گسترده مورد تاکید قرار گرفته است (پورطاهری و همکاران، 1388).

پایداری اجتماعی حول محور انسان و جنبه های روانی و اجتماعی و فرهنگی او می چرخد و به عنوان بخش مهم در جهت رسیدن به توسعه پایدار و تامین نیازهای اجتماعی بشر می کوشد. توجه به این مبحث سبب ارتقای کیفی زندگی انسان و بالا رفتن مشارکت اجتماعی شده و حتی رسیدن به پایداری زیست محیطی را محقق می سازد. مقوله فرهنگ و پایداری اجتماعی دو مقوله ای هستند که بهم مرتبط بوده و واکاوی و توجه هم زمان هر یک در معماری امروز ما سبب ارتقای کیفیت زندگی و بالا رفتن هم بستگی اجتماعی و حس تعلق محیطی می شود و از جرم و بدهکاری می کاهد و جامعه را در جهت آرامش بیشتر سوق میدهد (طاهریان و همکاران، 1394، 1).

توسعه اجتماعی به معنای دگرگونیهای بنیادی در ساختار و روابط اجتماعی با انگیزه تحقق اهداف ادغام اجتماعی، انسجام اجتماعی و برآوردن نیازها به همراه بالا بردن سطح آزادی و افزایش توانایی جامعه برای بهبود وضع خود میباشد. توسعه اجتماعی پایدار معمولاً به توانمندسازی در هر دو بخش رفاه فردی و رفاه اجتماعی بر اثر افزایش سرمایه های اجتماعی مربوط است. مانند، بالا بردن ظرفیت برای افراد و گروههای اجتماعی که برای دستیابی به هدف مشخص همچون منافع متقابل با همدیگر همکاری می کنند (حسن زاده و ایزدی جیران، 1388، 36).



پایداری اجتماعی در مقیاس معماری، فضا را مورد بحث قرار میدهد و با بررسی نیازها و رفتارهای انسان بگونه ای طراحی را جهت میدهد تا ارتباط انسان و محیط مصنوع (فضا) برای مدت طولانی برقرار باشد به عبارتی دیگر فضا به مدت طولانی زنده و پایدار (غیر کالبدی) باشد.

مفهوم پایداری اجتماعی از میان یک رشته مفاهیم و عقایدی که شامل موارد زیر است، کشف و استخراج شده است: سرمایه اجتماعی - جوامع پایدار - قدرت و استحکام اجتماعی - اجتماعات مستحکم و پایدار - توسعه اجتماعی - جوامع سالم - ظرفیت اجتماعی - رفاه - محرومیت اجتماعی - شهروندی (سجادی و محمدی، 1390، 6).

پایداری اجتماعی زمانی حاصل می شود که بطور رسمی و غیر رسمی، سیستم ها، ساختارها و ارتباطات بطور فعالی ظرفیت نسل های کنونی و آینده را، جهت ایجاد جوامع سالم و قابل زندگی تدارک ببینند. جوامع پایدار، جوامعی اند، متساوی، متنوع، به هم پیوسته و دموکراتیک، که کیفیت مطلوب زندگی را برای ساکنان خود فراهم می کنند (سجادی و محمدی، 1390، 6).

جدول شماره 1: تعاریف توسعه پایداری اجتماعی

منبع	تعریف
Sachs,1999:71 ¹	تعریف قوی پایداری اجتماعی باید بر ارزش های بنیادی برابری و دموکراسی و تخصیص موثر حقوق انسانی، سیاسی، شهروندی، اقتصادی و اجتماعی برای همه مردم باشد.
Litting Griebler,2005:72 ¹	پایداری اجتماعی به حالتی اطلاق می شود که کار جامعه و ترتیبات نهادی نیازهای انسانی را برآورده و به نحوی شکل یافته است که به صورت طبیعی، قابلیت باز تولید دارد و در طول زمان، ادعاهای معمول عدالت اجتماعی، کرامت انسانی و مشارکت را برآورده می سازد.
Biart,2002:6 ¹	پایداری اجتماعی، با هدف تعیین حداقل الزامات اجتماعی برای توسعه بلند مدت و شناسایی چالشهای عملکردی اجتماع در طولانی مدت است.
Sterm and poles,2000:15 ¹	توسعه ای هماهنگ که گروههای مختلف اجتماعی و فرهنگی به طور همزمان و هماهنگ به مشارکت تشویق شوند تا جایی که بهبود کیفیت زندگی همه آنان را به همراه داشته باشد.
پور طاهری و همکاران، 1389	زندگی سالم و بارور و هماهنگ با طبیعت که بقا و حیات جامعه را همگام با حفظ کیفیت محیطی و مرتبط نظام های اقتصادی در جهت دستیابی به بالاترین سطح رضایت از زندگی.
سالمی و همکاران، 1390	پایداری اجتماعی یک کیفیت اجتماعی است و بر ارتباطات طبیعت و اجتماع دلالت دارد و با فعالیت تلفیق شده است.

¹-1 بر گرفته از مقاله رضوانی و همکاران با عنوان "مهاجر پذیری و توسعه پایدار اجتماعی در مناطق روستایی"



پایداری اجتماعی شرایطی را به وجود می آورد که ساکنان از شهر و محل زندگی خود رضایت داشته باشند، روابط و تعاملات اجتماعی را سبب می شود و حس تعلق مکانی و دلبستگی را ایجاد می کند.	رزمجوی و نصر، 1394
توسعه اجتماعی به معنای دگرگونی های بنیادی در ساختار و روابط اجتماعی با انگیزه تحقق اهداف، ادغام اجتماعی، انسجام اجتماعی و برآوردن نیازها به همراه بالا بردن سطح آزادی و افزایش توانایی های جامعه برای بهبود وضع خود می باشد.	حسن زاده و ایزدی جیران، 1388

برای نیل به پایداری غیر کالبدی (بعد اجتماعی پایداری) در یک فضا، در مرحله نخست، باید پاسخگوی نیازهای اساسی انسان باشد. از سوی دیگر کیفیتهای فضایی بر اساس نیازهای انسانی تعریف میشوند به عبارتی دیگر، کیفیت های فضایی میتوانند از طریق انعکاس این نیازها در طراحی فضا به وجود آیند (شجاع و سجادیپور، 1394، 7).

در نتیجه با توجه به آنچه گفته شد، پایداری اجتماعی فضا در صورت برقراری شروط زیر میتواند تامین شود: توجه به نیازهای اساسی انسان در طراحی معماری ارتقا کیفیت فضایی و اولویت بندی کیفیتها با توجه به کاربری فضا (با تاکید بر نیازهای عالی انسانی) همخوانی الگوهای رفتاری زیستی با الگوهای کالبدی فضاها در واقع دو عامل نخست در برگزیده نیازهای اساسی و عالی (بر اساس سلسله مراتب هرم مازلو) می باشد و عامل سوم به چگونگی انعکاس این نیازها در کالبد ساختمان تاکید دارد (شجاع و سجادیپور، 1394، 8).

اقبال عمومی به موضوع پایداری و معماری پایدار که به موجی قوی در معماری امروز جهان و ایران تبدیل شده، ایجاب کننده نوعی بازنگری ناقدانه به منظور تنقیح و ارتقای گفتمان پایداری در معماری است (ایرانمنش و خواجه پور، 1393، 1). معماری سنتی ایران مفاهیم جوهری پایداری را به نحوی صادقانه و طبیعی در خود مستقر می داشته، در مقابل امروزه مواجهه سطحی با موضوع معماری پایدار تهدید کننده اصالت آن است (ایرانمنش و خواجه پور، 1393، 1).

جدول شماره 2: تعاریف توسعه پایداری اجتماعی - colantonio and Dixon, 2009: 16

سنتی	جدید
نیازهای اساسی، شامل مسکن و بهداشت محیط	تغییرات جمعیتی (سالمندی، مهاجر و تحرک)
آموزش و مهارت	ترکیب و انسجام اجتماعی
اشتغال	هویت، تعلق مکانی و فرهنگی
عدالت	توانمند سازی، مشارکت و دسترسی
حقوق بشر و جنسیت	ایمنی و بهداشت
فقر	سرمایه اجتماعی
عدالت اجتماعی	رفاه، شادکامی و کیفیت زندگی

پایداری اجتماعی نیز به نوبه خود دارای مشخصه هایی می باشد که یکی از مهمترین فاکتورهای آن تعامل اجتماعی می باشد یعنی وجود تعامل اجتماعی ضرورتی برای ایجاد جامعه پایدار می باشد. بنابراین بنا به اهمیت جامعه پذیری و تعامل اجتماعی در ایجاد پایداری اجتماعی، می توان نتیجه گرفت که جامعه پذیری یکی از فاکتورهای مهم ایجاد معماری پایدار می باشد. لذا از آنجا که



جامعه پذیری فرایند تشخیص حیات جمعی و زندگی اجتماعی انسان می باشد و جامعه پذیری معماری نیز مجموعه راهبردهایی است که باعث افزایش فرصت تعامل اجتماعی در فضای معماری گشته و سبب افزایش ارتباط جمعی و همگانی می گردد، می توان گفت که فضای معماری اجتماع پذیر سهمی اساسی در جهت ایجاد پیوندهای پایدار اجتماعی و خلق پایداری اجتماعی خواهد داشت. بنابراین جهت رسیدن به درک و ایجاد جامعتر معماری پایدار توجه به جامعه پذیری معماری بسیار ضروری می باشد (مهرگان و همکاران، 1392، 9).

پایداری اجتماعی که برگرفته از انسان و فرهنگ و روش های زندگی اوست می کوشد تا به بهبودی و ارتقا کیفیت و رفاه زندگی انسان نسل حاضر و آینده با در نظر گرفتن استعدادهای و فرهنگ و ظرفیت های او، به برآوردن نیازهای همه اقشار جامعه بپردازد (چاهوشی ساروی و جلالی مطهری، 1395، 2).

در تعریف پایداری اجتماعی، گروهی از محققان به چهار عنصر اصلی و تعیین کننده اشاره کرده اند: عدالت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت و امنیت. در این معنا، مولفه هایی چون فرصت های برابر و توأم با پیشرفت برای تمامی انسان ها، زندگی همراه با تعاون و همکاری، فرصت هایی برابر برای تمامی افراد به منظور ایفای نقش های اجتماعی به همراه امنیت، امرار معاش و ایمنی سکونتگاه های انسانی در برابر مخاطرات طبیعی، مبنای سنجش پایداری اجتماعی قرار گرفته اند. (DFID, 2002:2)

مولفه های بعد اجتماعی پایداری از جمله: امنیت اجتماعی، برابری اجتماعی، تعلق مکانی، مسائل اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی (رضوانی و مطیعی لنگرودی، 1394، 2).

اسماعیل ضرغامی در مقاله ای با عنوان "اصول پایداری اجتماعی مجتمع های مسکونی در شهرهای ایرانی-اسلامی" به معرفی برخی از اصول پایداری مجتمع های مسکونی از بعد اجتماعی پرداخته، از جمله این اصول شامل: عدالت، زیباشناسی، راحتی، آسایش، امنیت و رشد کودکان، هویت اجتماعی و... می باشد (ضرغامی، 1389، 1).

به عبارتی می توان پایداری اجتماعی را به معنای ارتقای کیفیت زندگی، توسعه منابع انسانی، تنوع فرهنگی، تحرک اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، ظرفیت سازی نهادی، امنیت اجتماعی، مسئولیت پذیری، تعلق خاطر مکانی و در نهایت توانمندی اجتماعات محلی برای غلبه بر چالش ها و مسائل درونی و واکنش بهینه در برابر تغییرات بیرونی به شمار آورد (جاودان و رکن الدین افتخاری، 1389، 68).

ضرورت توجه به پایداری اجتماعی در طراحی شهری

انسان موجودی اجتماعی است و تعاملات اجتماعی در برآورده ساختن نیازهای اجتماعی و روانی افراد جامعه خصوصا کودکان و سالمندان نقش منحصر بفردی دارد اما فقدان اجتماعی حمایت کننده که جذب افراد و گروه های مختلف و ایجاد شرایط مناسب برای شکل گیری تعاملات اجتماعی می توانند انسان ها را در تکمیل رشد روانی و اجتماعی شان یاری دهند نیاز به یک استراتژی جامع برای طراحی و شهرسازی پایدار را روشن میکنند (شجاع و سجاذزاده، 1394، 1).

فضای عمومی مکتبی است که عموم حق ورود و حضور در آن را بدون هیچ گونه محدودیتی دارا میباشد، جایی است که در آن رابطه تعاملی مردم با یکدیگر برقرار می شود (رهنمایی و اشرفی، 1386، 23). فضاهای عمومی در شهرها، کانون تجربه حیات جمعی شهروندان هستند فرصتی برای توسعه ابعاد اجتماعی فرد به لحاظ تعاملات اجتماعی و تجربه مشارکت در حیات جمعی، در شهرها هستند (دانشپور و چرخچیان، 1386، 53).

فضاهای عمومی شهری نقشی اساسی در برقراری تعاملات اجتماعی شهروندان ایفا می نمایند. از دیدگاه عینی و مادی فضای شهری بستری است که روابط اجتماعی و حیات مدنی در آن جریان می یابد (شجاع و سجاذزاده، 1394، 1).

زمانی که بحث از شهر و برنامه ریزی شهری است به کارگیری اصول اجتماعی توسعه پایدار اهمیت دو چندان پیدا می کند. استفاده از اصول توسعه پایدار، در هر نوع برنامه ریزی، نیازمند شاخص هایی است که بومی سازی شده و مختص به فضای جامعه



مورد نظر باشد. این شاخص ها برآمده از مبانی نظری و متون علمی و همچنین سوابق موضوع در ایران و جهان خواهد بود که با نمونه های بومی تلفیق و نقاط قوت و ضعف آن ها تلفیق شده است (شهبایان و پیرایه گر، 1392، 1).
عدم وجود تعاملات مثبت در شهرها، درگیری و نزاع شهروندان با یکدیگر، عدم تمایل به مشارکت در ساکنین شهر از جمله مواردی هستند که برقراری پایداری اجتماعی در شهرها را تحت الشعاع قرار داده است (شهبایان و پیرایه گر، 1392، 1).
روند نزولی تعاملات مثبت اجتماعی، کاهش اعتماد به یکدیگر در میان شهروندان، توجه بیش از حد به ارزش های غیر بومی و عدم بازگشت به سنت ها و رفتارهای محلی از جمله مهم ترین چالش های موجود در جوامع شهری امروزی است. در صورت اجرای برخی برنامه های فرهنگی، اجتماعی، جشن ها و مراسم بومی همچنان عدم تداوم و پایداری این موارد جز اصلی ترین مسائل جاری در شهرها است (شهبایان و پیرایه گر، 1392، 2).

پایداری اجتماعی مکان در معماری

مفهوم پایداری در معماری ابتدا بر مسائل محیط زیست و طبیعت متمرکز بود اما به تدریج بر روی بعد اجتماعی توسعه پایداری توجه خود را معطوف کرد و در واقع اعتقاد عموم پژوهشگران بر آن است که بعد اجتماعی دارای وزن و اهمیت بالایی است زیرا کمتر روی خصوصیات انتزاعی تاکید دارد و بیشتر نیازهای خاص انسان و عکس العمل های کیفی افراد به مکان ها را مورد توجه قرار می دهد. البته نیازهای انسان تابع عوامل فرهنگی بوده است که به رابطه دو طرفه انسان و فرهنگ مربوط می شود. بنابراین هدف اصلی پایداری اجتماعی، تامین نیازهای انسان، ارتقای سطح کیفیت زندگی انسان نسل حاضر و آینده با لحاظ کردن فرهنگ و عادات همه اقشار جامعه می باشد. به نظر می رسد که دستیابی به پایداری اجتماعی مکان تنها با شناخت انسان و پاسخگویی به نیازهای او همچنین شناخت فرهنگ هر منطقه امکان پذیر می باشد (چاهوشی ساروی و جلالی مطهری، 1395، 2).
مطابق مدل ارائه شده توسط جان لنگ، کیفیت های مکانی را می توان بر حسب برآورده ساختن گونه های مختلف نیازهای انسان طبقه بندی نمود:

1- نیازهای فیزیولوژیکی: نیازهایی همچون غذا، سرپناه و بهداشت هستند. چنین نیازهایی از طریق توجه به استانداردهای انسانی در طراحی محیط، تسهیلات و تجهیزات کافی، آسایش (دما، آفتاب، باران، تنظیم شرایط اقلیم خرد) و حفظ تعادل بوم شناسی محل که در معماری لحاظ شده باشد، تامین می گردد.

2- نیاز به ایمنی و امنیت: شامل نیازهایی نظیر مصون ماندن از مخاطرات و آلودگی ها، برخورداری از عرصه خصوصی مورد نیاز و رعایت مساله اشراف است. این نیازها از طریق تامین امکان نظارت و مراقبت، نفوذپذیری و قابلیت دسترسی و انعطاف فضاها برآورده می شوند.

3- نیاز به وابستگی (یا نیاز به احساس تعلق به یک جمع یا گروه خاص داشتن): این نیاز از طریق تامین تسهیلات اجتماعی، به نحوی که موجب تشویق مرادوات اجتماعی محلی گردد و از طریق تقویت حس مکان، هویت، خوانایی، تناسب بصری در طراحی شهری، پیگیری می شود.

4- نیاز به عزت و اعتماد به نفس: تامین این نیاز از طریق کیفیت و چگونگی مالکیت اراضی، ایجاد حس فردیت و تعلق داشتن به مکان و گروه خاص دنبال می شود.

5- نیاز به تحقق خویشتن: (خود شکوفایی یا نیاز به انجام فعالیت خلاقانه): این نیاز از طریق فرصت های که معماری برای شخصی سازی فضا و مشارکت در امر طراحی فراهم می آورد و همچنین از طریق تنوع در طراحی پاسخ داده می شود.

6- نیازهای شناختی- زیبا شناختی: که بر اساس انگیزش های حسی و عقلی ایجاد می شود (شولتز، 1387، 346) در این مدل با بررسی شرایط اجتماعی انسان می توان نتیجه گرفت که با تشخیص نیازهای انسان می توان جلب رضایت آنان را بدست آورد. بی توجهی به هر یک از این عوامل سبب ایجاد مشکلاتی در تامین سایر نیازها می شود. این نیازها قطعی و دائمی نبوده و در مقابل



جوامع، افراد، ساختارهای فرهنگی گوناگون متغیر و منعطف خواهد بود اما در عناصر اصلی این نیازها توافق کلی وجود دارد (چاهوشی ساروی و جلالی مطهری، 1395، 3).

در چند دهه گذشته معماری و شهرسازی ایران به دلیل عواملی مانند گسترش کالبد شهری، رشد شتابان شهرنشینی و دستخوش تغییراتی شده، به این سبب حس تعلق شهروند به شهر و میراث تاریخی آنرا کاهش داده است. هسته تاریخی شهرها به واسطه کیفیتهای جاودانه برخاسته از سرمایه های اجتماعی و فرهنگی، تاریخچه، نوع خاص معماری و... در بردارنده حس مکان خاص تاریخی اند. امروزه میدانهای شهری یعنی حذف حضور مردم که با ظهور سرسام آور خودروها و همچنین ناسامانی و ناهماهنگی کالبد پیرامونی ایفای نقش میکنند، برخی مراکز شهری در عین بهرمندی از ظرفیت های فضایی، شهری، تاریخی و عناصر ارزشمند معماری جدای از این امر نمی باشد. از این رو به بازشناسی هویت و ارزش های معماری در ارتقای کیفیت مرکز شهری به عنوان قطب با ارزش تاریخی و فرهنگی و قلب شهر و اهمیت میدان به عنوان عنصر هویت بخش تاکید شده است (پور موید و همکاران، 1395، 1).

مکان زمانی شکل می گیرد که انسان با تمام احساس و ادراک خود روح و معنای آن را دریابد. مکان با ساختار فیزیکی و فعالیتی که در آن رخ می دهد تغییر مادی پیدا می کند و با شکل گرفتن تصویر و خاطره آن در ذهن انسان و در طول زمان معنا و روح پیدا می کند. معنا و روحی که برای روزگاران خواهد ماند و به یادآورنده بودن و حس تعلق انسان خواهد بود (پور موید و همکاران، 1395، 16).

بدون شک پاسخ های معماری پایدار، برای برآوردن نیازهای ساکنان خود در سایه فرهنگ شکل می گیرد. چون اگر چه نیازهای ذکر شده به صورت فطری بوده و در تمام ساکنین زمین مشترک می باشد ولی شیوه پاسخگویی و بیان معماری پایدار در جوامع و فرهنگ های مختلف متفاوت بوده و این پاسخ ها در جوامع و فرهنگ های مختلف می تواند شکل منحصر به فرد به خود بگیرد (صیادی و مداحی، 1391). ایجاد فرهنگ پایدار، نیازمند کردن احساس اجتماعی، ارتباط و آمیزش با دنیای طبیعی است. در معماری پایدار، باید به مردم مجال بروز قابلیت های کامل خود را داد تا خودشان را دریابند و در ارتباط با دیگران به درکی عالی از بشریت برسند و به این ترتیب، ارتباط خود با گذشته و آینده را باز یابند. در این رابطه توجه به شیوه های معماری بومی موجود راهگشا هستند چرا که اغلب آنها جوابگوی اقلیم و فرهنگ منطقه می باشند (طاهریان و همکاران، 1394، 4).

بعد پایداری اجتماعی جنبه های روانی، اجتماعی و فرهنگی وجود انسان را به عنوان بخشی مهم و اصلی در دستیابی به توسعه پایدار مورد توجه قرار می دهد و دربرگیرنده شاخصه هایی است که در ارتباط با حقوق بشر و ارتقا کیفی زندگی اوست نظیر: عدالت اجتماعی، هویت فرهنگی، حمایت از هویت فرهنگ و منافع جامعه و ایجاد شرایط مناسب برای شرکت موثرشان در امر توسعه پایدار، مراقبت های خانگی، همبستگی اجتماعی، امنیت، ریشه کنی فقر و... (احمدی، 1393).

نیاز به احساس تعلق اجتماعی که شامل حس تعلق به جامعه و به فضا می شود، از نیازهایی است که معیاری برای سنجش کیفی فضا قلمداد می شود (طاهریان و همکاران، 1394، 5).

یکی از بارزترین مشکلات فضاهای شهری امروز فقدان حس مکان است. حس مکان یکی از پارامترهای مهم در یک فضا محسوب می شود که حس تعلق خاطر فرد را به فضا منجر می شود که باعث حضور مشارکت فرد در یک فضا می شود فرد در این فضا احساس آرامش و آسایش می کند که در نتیجه باعث پایداری اجتماعی می شود (رزمجوی و نصر، 1394، 2).

پایداری اجتماعی فضا در صورت برقراری شروط زیر می تواند تامین شود:

- توجه به نیازهای اساسی انسان در طراحی معماری

- ارتقا کیفیت فضایی و اولویت بندی کیفیت ها با توجه به کاربری فضا (با تاکید به نیازهای عالی انسان)

- همخوانی الگوهای رفتاری- زیستی با الگوهای کالبدی فضا (رزمجوی و نصر، 1394، 4).



حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آنها از محیط خود است که شخص را در ارتباط درونی با محیط قرار می دهد به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده، این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات روحی و رفتاری ویژه ای برای افراد خاص می گردد. حس مکان علاوه بر اینکه موجب راحتی از یک محیط می شود از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می شود (رزمجوی و نصر، 1394، 4).

تعریف حس مکان: اصطلاح حس مکان از ترکیب دو واژه حس و مکان تشکیل شده است واژه حس در فرهنگ لغت آکسفورد سه معنای اصلی دارد:

1- یکی از حواس پنجگانه

2- احساس و عاطفه و محبت که در روانشناسی به درک تصویر ذهنی گفته می شود

3- توانایی در قضاوت درباره یک موضوع انتزاعی، مثل معنای حس در اصطلاح جهت یابی در نهایت حس به معنای شناخت تام یا کلی یک شی توسط انسان است (رزمجوی و نصر، 1394، 6).

این حس عاملی است که موجب تبدیل شک فضا به مکانی با خصوصیت حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می گردد. حس مکان علاوه بر این که موجب احساس راحتی از یک محیط می شود، از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می شود (رزمجوی و نصر، 1394، 7).

حس مکان را می توان به 7 مرحله تقسیم بندی کرد:

1- بی تفاوتی نسبت به مکان

2- آگاهی از قرارگیری در یک مکان

3- تعلق به مکان

4- دلبستگی به مکان

5- یکی شدن با اهداف مکان

6- حضور در مکان

7- فداکاری برای مکان (رزمجوی و نصر، 1394، 6)

تعامل اجتماعی در فضاهای عمومی:

از نیازهای مهم هر انسان نیاز به برقراری رابطه با دیگران است که زمینه ساز حضور انسان ها در فضایی باشد (شجاع و سجادزاده، 1394، 3). جان لنگ در این ارتباط دو دلیل عمده را بیان می کند: روابط متقابل اجتماعی از آن سو لازم است که احساس تعلق و دوست داشته شدن را در افراد ایجاد میکند لذا فضاهایی که این ارتباطات را فراهم می سازند فضاهای مطلوبی محسوب می شوند (لنگ، 1390). یکی از مهم ترین ابعاد فضاهای عمومی ایجاد فرصت هایی جهت تعاملات اجتماعی میباشد. در این تعاملات مردم رابطه قویتری با محیط و جامعه خود برقرار میکنند و حس تعلق خاطر و هویت جمعی در آنها تقویت میشود که با شکل گیری شبکه های اجتماعی و افزایش حس مشارکت جمعی همراه است. تعاملات اجتماعی بیش از هر فعالیت دیگری به محیط حساس است (شجاع و سجادزاده، 1394، 3).

پایداری اجتماعی در بافت های تاریخی

پایداری در بافت های تاریخی از جنبه های مختلفی مطرح است: پایداری در کالبد و ساختار مجموعه های زیستی، پایداری در فعالیت ها، پایداری در کاربری ها، پایداری در مسائل فرهنگی و سنن و... یافتن ارتباط بین این مولفه ها به ما نشان خواهد داد که



در کجا و به چه دلایلی این پایداری ها دچار اختلال شده و از حد تعادل خارج شده اند و چگونه می توان دوباره این پایداری را برقرار نمود (کلانتری خلیل آباد و درخشانی، 1393، 4). در بافت های تاریخی، توانمند سازی کالبد و فعالیت دو مولفه مهم و موثر در رضایت مندی استفاده کنندگان بوده که می توان با پر رنگ تر کردن و برنامه ریزی دقیق و پویا حس تعلق خاطر را که باعث پایداری بافت ها خواهد شد، در ساکنان زنده کرد (کلانتری خلیل آباد و درخشانی، 1393، 4). یکی از اهداف مهم و اصلی در برنامه ریزی برای بافت های تاریخی، ایجاد پایداری همزمان در کالبد و فعالیت این بافت ها می باشد. زیرا بافت تاریخی هر شهر در برگیرنده هویت و اصالت آن شهر محسوب می شود و لازم است با ایجاد پایداری کالبدی و تقویت فعالیت های اجتماعی، حس تعلق خاطر به مکان را دوباره در استفاده کنندگان آن زنده کرد (کلانتری خلیل آباد و درخشانی، 1393، 4).

حسین کلانتری خلیل آباد و نجلا درخشانی در پژوهش خود با عنوان "راهبردهای پایداری کالبدی- اجتماعی در محلات تاریخی- مطالعه موردی محله عودلاجان تهران" به ارائه راهبردهایی پرداختند که از جمله این راهبردها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- احیای استخوان بندی تاریخی و ارزش های نهفته در تک بناها، مجموعه ها، فضاها و دروازه های با ارزش تاریخی موجود در محله از طریق مشارکت سرمایه گذاران.

- بهره گیری بهینه از موقعیت قرارگیری بافت محله در شهر و نزدیکی خطوط مترو برای ایجاد مسیرهای گردشگری و توریستی پیاده در بافت و پیرامون آن.

- تقویت هویت و خاطره جمعی و حس تعلق خاطر ساکنان جدید محله و جذب مجدد ساکنان قدیمی و اصیل خارج شده، از طریق احیا و بازسازی فضاهای شهری و عمومی با احترام به طرح های نوسازی و بهسازی جدید و مشارکت ساکنان در این طرح ها. - بهره گیری از فشردگی بافت و مسافت های کوتاه میان کاربری های مهم و با ارزش برای تشویق پیاده روی افراد و کمک به سلامت آنها.

- استفاده مطلوب از مکان های زیارتی و سیاحتی و باغهای قدیمی برجای مانده برای افزایش امکانات رفاهی و تفریحی در محله. - رونق و ساماندهی بازارچه های محله و روزآمد کردن آنها برای حضور و استفاده هر چه بیشتر ساکنان (کلانتری خلیل آباد و درخشانی، 1393، 9).

شاخص های پایداری اجتماعی

برای بخش اجتماعی توسعه پایدار درون شهری شاخص های متعددی ارائه شده است. می توان وجه مشترک تمامی آنها را توجه به عدالت اجتماعی و حق برخورداری برابر از فضاهای شهری برای همگان دانست. " به این معنا که امکان بهره وری و استفاده شهروندان در سطوح مختلف از امکانات، فرصت ها و کارکردهای شهری به صورت متعادل و هماهنگ باشند و تقریباً همه افراد جامعه از فرصت های یکسانی برخوردار گردند. تبلور موضوع عدالت اجتماعی به عنوان یک تفکر و ذهنیت و تصور فکری در جامعه و خصوصاً شهر منجر به توزیع مناسب کاربری ها و خدمات عمومی و در نظر گرفتن رفاه، امنیت و آرامش همه گروه های شهروندی می گردد" (مشار زاده مهرابی و صبوری، 1388، 112).

صاحب نظران متعددی پیرامون شاخص های اجتماعی توسعه پایدار اظهار نظر کرده اند. در ادامه به مهم ترین آن ها اشاره خواهد شد. ویلیامز و دیگران دسترسی به امکانات، دسترسی به فضای سبز، فرصت های شغلی، حمل و نقل عمومی، فرصت هایی برای قدم زدن و دوچرخه سواری، فضای مسکونی، سلامت و بهداشت عمومی، میزان جرم خیزی، جدایی گزینی اجتماعی کمتر، بالا بردن فرصت های شغلی برای افراد با مهارت پایین، مسکن مقرون به صرفه و دارایی را مد نظر قرار داده اند (Williams, 2000: 31). یکی از کامل ترین و معتبرترین دسته بندی ها در بیانیه ریو آمده است که عبارتند از محور بودن انسان و نیازهای او، مقابله با انفجار جمعیت شهری و کاهش نرخ رشد جمعیت تا نزدیک به صفر، اهمیت دادن به هویت و ویژگی های فرهنگی خاص هر شهر و



حفظ و تقویت ارزش های مثبت فرهنگ محلی، کاهش فقر و کاهش اختلافات طبقاتی، بسیج زنان و جوانان و کودکان برای مشارکت در آموزش و ارتقا سطح فرهنگ زیست محیطی، توزیع عادلانه و متعادل امکانات بین مناطق شهری (لقایی و محمدزاده تیتکانلو، 1395، 112).

در نهایت شاخص های پایداری اجتماعی اولیه را می توان این گونه نام برد: توجه ویژه به گروه های ناتوان و کم توان (کودکان، معلولان و سالمندان)، برنامه ریزی بر پایه جذب حداکثری و دفع حداقلی جمعیت، کاهش استفاده از وسیله نقلیه شخصی، توزیع عادلانه و متعادل امکانات، ارتقای بهداشت و سلامت شهروندان، توجه به کودکان و فعالیت آن ها در برنامه ریزی ها، کاهش جرائم شهری، تشویق به پیاده روی و دوچرخه سواری، بازه زمانی مناسب برای فعالیت در شبانه روز، کاهش فقر و فاصله طبقاتی، دسترسی آسان به خدمات شهری برای همگان، جلوگیری از انواع آلودگی ها، برنامه ریزی، طراحی و اجرای پروژه ها با استفاده از شیوه های مشارکت جو، تقویت حس تعلق و هویت فرهنگی در هر شهر، طراحی منطبق با اقلیم هر محدوده (شهبان و پیرایه گر، 1392، 4).
 قوام و دوام جامعه به روابط اجتماعی و تعاملات اجتماعی کمیت و کیفیت آن بستگی دارد. پایداری اجتماعی نقش مهمی در یافتن راه حل هایی برای تاثیر متقابل گروه های اجتماعی بر هم ایفا میکند که میتواند به خلق راه های پایدار زندگی در یک جامعه کمک کند. پایداری اجتماعی در واقع بخش غیر کالبدی معماری پایدار است. برآوردن نیازهای انسان، افزایش کیفیت زندگی او و استفاده از تمام ظرفیت ها در بهبود وضع او از اهداف پایداری اجتماعی است. احساس امنیت در چنین فضایی از موثرترین عواملی است که میتواند حضور شهروندان در جامعه را بالفعل گرداند (شجاع و سجاذاده، 1394، 1).
 امروزه از پایداری اجتماعی بیشتر در طراحی شهری پرداخته می شود و کمتر در طراحی معماری به آن توجه میشود. در صورتی که نقش آن در طراحی فضاهای عمومی، قابل توجه است. توجه به نقش سازنده فضاهای عمومی در تعاملات اجتماعی یا رضایتمندی و بهبود کیفیت زندگی انسان همانا هدف اصلی پایداری اجتماعی است (شجاع و سجاذاده، 1394، 2).

جدول شماره 3: شاخص های پایداری اجتماعی بر اساس نظریات اندیشمندان و تجربیات جهانی

ماخذ: شهبان و پیرایه گر، 1392

شاخص های پایداری اجتماعی	اندیشمندان نظریه پرداز در زمینه شاخص مورد بررسی
دسترسی آسان به خدمات و امکانات	Williams(2000), Masnavi(2002), Mosharzade et al(2009), Frey(1999), Laghaei & Mohamadzadeh(1999), Jenks & Jones (2010), Raco(2007)
حمل و نقل عمومی	Williams(2000), Fery(1999), Bahreyni & Maknoun (2001), Masnavi (2002)
پیاده روی	Williams(2000), bevan(2007)
سلامت و بهداشت عمومی	Williams(2000), SSN (2007), Bahreyni & Maknoun (2001), England, Masnavi (2002) , Bevan(2007)
کاهش میزان جرم خیزی	Williams (2000), SSN(2007), England< Jenks & Jones (2010)
جدایی گزینی اجتماعی کمتر	Williams (2000), Henks& Jones (2010), Bahreyni & Maknoun (2001)
آموزش و آگاهی عمومی	Berke & Conroy (2000), SSN (2007), England, evans(2005)
کاهش فقر و فاصله طبقاتی	SSN(2007), England, Mosharzade et al. (2009), Rio Manifest, Laghaei & Mohamadzadeh(1999)
مشارکت مردمی	SSN(2007), Bahreyni & maknoun(2001), Rio Manifest, Laghaei & mohamadzadeh (1999), Stubbs(2004), Jenks & jones(2010)



Bahreyni & Maknoin (2001), Mohamadzadeh (1999), Evans (2005), Bevan (2007)	دسترسی بیشتر
Rio Manifest, Laghaei & Mohamadzadeh (1999), Raco (2007)	انسان محوری با تاکید بر توجه به کودکان
Rio Manifest, Laghaei & Mohamadzadeh (1999), Stubbs (2004), Jenks & Jones (2010)	هویت
Masnavi (2002), Berke & Conroy (2000), Evans (2005)	توجه به ناتوانان و کم توانان
SSN (2007), Masnavi (2002), Bevan (2007)	جلوگیری از آلودگی ها و تاکید بر هوا

جدول شماره 4: شاخص ها و نماگرهای پژوهش - ماخذ: رضوانی و همکاران، 1394

شاخص (مولفه)	گویه ها
امنیت اجتماعی	احساس خطر از محیط، نگرانی از ثروت از باغات، نگرانی از ایجاد مزاحمت برای زنان و خانواده ها کاهش امنیت، ترس از شیوع مصرف مواد مخدر، احساس نیاز به وجود نیروهای انتظامی برای برقراری امنیت، میزان جرئت ابراز و مقابله با آزار و اذیت.
مسائل اجتماعی	نزاع و درگیری بین ساکنین بومی و مهاجر، درگیری بین خانوارهای مهاجر، رواج خرید و فروش مواد مخدر، شیوع سرقت از منازل و مزارع بومی.
همبستگی اجتماعی	کاهش همدلی و یکرنگی، تفاوت ارزشی بین مهاجر و بومی، کاهش ارزش تضادهای قومی، افزایش پذیرش افراد با هویت متفاوت در روستا، میزان احترام متقابل ساکنین بومی و مهاجر، میزان تضاد ساکنین بومی و مهاجر، کاهش تضادهای اولیه، میزان تفاوت ارزش ارزشی ساکنین مهاجر و بومی.
مشارکت اجتماعی	میزان جدایی هیئت های مذهبی، میزان شرکت مهاجران در مدیریت روستا، مشارکت مهاجران در عمران روستا، شرکت در مراسم عروسی ساکنین بومی، شرکت در مجالس ترحیم ساکنین بومی.
اعتماد اجتماعی	اعتماد جمعیت بومی و مهاجر، میزان قرض دادن وسایل به مهاجران، میزان قرض دادن پول به مهاجران، میزان اعتماد به سپردن خانه به همسایه.
عدالت جنسیتی	کاهش رفت و آمد زنان در سطح محلات، میزان کاهش ساعات عبور و مرور، کاهش حضور زنان در باغات، افزایش فضاهای مردانه در روستا.



<p>کاهش علاقه ساکنین بومی به زندگی در روستا، مهاجرت ساکن بومی از روستا، کاهش علاقه جوانان بومی، افزایش امید به آینده روستا در بین مردم، کاهش ثبت نام افراد بومی در مدارس روستا توسط بومیان، تمایل به زندگی در روستا، میزان علاقه به حل مشکلات روستا.</p>	<p>تعلق مکانی</p>
--	-------------------

جمع بندی

اصطلاح پایداری که نخستین بار در سال ۱۹۸۶ مطرح شده، به معنای ماندنی و بادوام می باشد. توسعه پایدار همواره در پی پاسخگویی به نیازهای انسان امروز بدون به مخاطره انداختن منابع انسان های آینده بوده است.

پایداری در تمامی زمینه ها به خوبی شناخته و وارد آن رشته شده در معماری نیز چنین بوده به طوری که می توان گفت امروزه، پایداری و معماری به طوری با هم آمیختند که؛ پایداری در معماری گزینه ای اختیاری نیست و به صورت ضرورتی ذاتی در آمده است. در واقع معماری پایدار نوعی از معماری است که از حداکثر استعدادهای محیط پیرامون برای آسایش مصرف کنندگان بهره می جوید.

مولفه های مختلف پایداری شامل: پایداری اقتصادی، پایداری زیست محیطی و پایداری اجتماعی است که در سال های اخیر پایداری اجتماعی کمرنگ تر بوده و مورد بی توجهی قرار گرفته است. حال آنکه این بعد از پایداری اهمیت ویژه ای داشته، چراکه به نیازهای انسان و عکس العمل های کیفی افراد به مکان ها توجه دارد، و دارای رابطه ای دوطرفه با فرهنگ است، و تاثیری که فضا بر جامعه پذیری اشخاص و ایجاد حس تعلق به مکان در انسان دارد؛ اهمیت پایداری اجتماعی را دوچندان می کند. پایداری اجتماعی برگرفته از انسان امروز و نیازهای او، فرهنگ و روشهای زندگی بوده و می کوشد تا با بهبود و ارتقاء کیفیت زندگی انسان برآورده کردن نیازهای او بپردازد.

عدم وجود تعاملات اجتماعی در فضای شهری موجب، درگیری و نزاع شهروندان با یکدیگر، عدم تمایل به مشارکت در ساکنین در زمینه های مختلف، کاهش اعتماد به یکدیگر، توجه به ارزشهای غیر بومی، عدم بازگشت به سنت ها، احساس خطر در محیط، کاهش همدلی و کاهش علاقه به ماندن در محیط و... می شود. که این مهم خود نشان دهنده اهمیت توجه به وجه غیر کالبدی پایداری (پایداری اجتماعی) می باشد.

با توجه به در نظر گرفتن نیازهای انسان امروز، فرهنگ و باورهای او می توان به شاخصه های رسید که ما را در دستیابی به فضای اجتماعی پایدار یاری می کند. این شاخص ها را به صورت کلی می توان به دسته بندی زیر تقسیم کرد:

امنیت اجتماعی، مسائل اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و...

که هر یک از این شاخص ها راهکارهای مختلفی دارد، که با توجه به حوزه طراحی در معماری مورد استفاده قرار می گیرد. در نظر گرفتن موارد فوق کمک می کند تا جامعه ای پویا تر و با حداقل تنش داشته باشیم.

مراجع

- [1] جاودان، م. رکن الدین افتخاری، ع. اندازه گیری شاخص های توسعه پایدار اجتماعی در حوزه های روستایی با استفاده از سیستم های اطلاعات جغرافیایی، مورد بخش سربندی (شهرستان سازند- استان مرکزی)، 1389.
- [2] چاهوشی ساروی، سیده فاطمه و جلالی مطهری، ستاره السادات، 1395، بررسی جایگاه فرهنگ و نیازهای انسان در معماری بومی تبرستان با رویکرد پایداری اجتماعی، کنفرانس بین المللی مهندسی معماری و شهرسازی، تهران، دبیرخانه دائمی کنفرانس.



- [3] حسن زاده، داوود و ایزدی جیران، اصغر، 1388، بررسی جایگاه توسعه پایدار در اجتماعات روستایی ایران، مجله نامه علوم اجتماعی، شماره 71، صفحه 27-57.
- [4] دانشپور، سید عبدالهادی و چرخچیان، مریم، 1386، فضاهای عمومی و عوامل موثر بر حیات جمعی، باغ نظر، شماره 7، صفحه 19-28.
- [5] رزمجوی، رها و نصر، طاهره، 1394، راهکارهای پایداری اجتماعی در معماری امروز شیراز (در بررسی مولفه های معماری زنده)، همایش ملی معماری و شهرسازی ایران اسلامی، رشت، دانشگاه گیلان.
- [6] رضوانی، محمد رضا و مطیعی لنگرودی، سید حسن، 1394، مهاجرپذیری و توسعه پایدار اجتماعی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای مهاجرپذیر منطقه کلانشهری تهران)، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، سال پنجم، شماره 19، صفحه 71-84.
- [7] سلامی، رضا، 1376، بررسی اجمالی توسعه پایدار، مجله رهیافت، شماره 17، تهران.
- [8] ضرغامی، اسماعیل، 1389، اصول پایداری اجتماعی مجتمع های مسکونی در شهرهای ایرانی- اسلامی، فصلنامه مطالعاتی شهرهای ایران اسلامی.
- [9] کلانتری خلیل آباد، حسین و درخشانی، نجلا، 1393، راهبردهای پایداری کالبدی- اجتماعی در محلات تاریخی (مطالعه موردی: محله عودلاجان تهران)، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، شماره 10.
- [10] لقابی، حسنعلی و محمد زاده تیتکانلو، حمید، 1395، مقدمه ای بر مفهوم توسعه شهری پایدار و نقش برنامه ریزی شهری، مرکز اطلاعات علمی (مجازی)، دوره 1، شماره 1.
- [11] مهرگان، حسین و رستگار دولت آباد، امین و اسماعیل دخت، محمد رضا، 1392، سهم اجتماع پذیری معماری در طراحی معماری پایدار، کنفرانس بین المللی مهندسی معماری و شهرسازی تهران، دبیرخانه دائمی کنفرانس.
- [12] شجاع، حامد و سجاد زاده، حسن، 1394، چگونگی استفاده از فضاهای باز در مجتمع های تجاری برای برقراری پایداری و تعادل اجتماعی، کنفرانس ملی مهندسی معماری، عمران و توسعه کالبدی، کوهدشت، شهرداری کوهدشت، شرکت پنام خط نوین.
- [13] شجاع، حامد و سجاد زاده، حسن، 1394، ارائه روش هایی برای بیشتر شدن تعاملان اجتماعی در مجتمع های تجاری مدرن در راستای پایداری اجتماعی، کنفرانس ملی مهندسی معماری، عمران و توسعه کالبدی کوهدشت، شهرداری کوهدشت، شرکت پنام خط نوین.
- [14] شهبابیان، پویان و پیرایه گر، میلاد، 1392، بررسی سطح پایداری اجتماعی در دو خیابان مطهری و 22 بهمن شهر رشت، معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره 11، صفحه 372-363.
- [15] لنگ، جان، 1391، آفرینش نظریه معماری نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی فر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- [16] مشارزاده مهرابی، زهرا و صبری، سینا و صبری، سهیل، 1388، مقایسه تطبیقی نظریات در مورد پارک های اداری و توسعه پایداری شهری، نشریه هویت شهر، سال سوم، شماره 5.
- [17] طاهریان، مونا و زارع، لیدا و شومال، سعید، 1394، تاثیر فرهنگ ایرانی بر معماری اسلامی مسکونی ایران با رویکرد پایداری اجتماعی، همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی- اسلامی، دانشگاه پیام نور استان گیلان، رشت.
- [18] سجادی، ژیلا و محمدی، کاوه، 1390، تحلیل اجتماعی- فضایی در بافت های فرسوده شهری (مطالعه موردی: بافت مرکزی شهر سردشت)، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، شال دوم، شماره ششم، صفحه 55-70.
- [19] احمدی، زهرا، 1393، الگوهای پایداری در معماری ایران، انتشارات اول و آخر.
- [20] ایرانمنش، محمد و خواجه پور، الهام، 1393، آموزش پایداری معماری، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، دوره 19، شماره 1.
- [21] صیادی، ا و مداحی، م، 1391، معماری پایدار، انتشارات لوتوس.



- [22] عزیزی، محمد مهدی، 1380، توسعه شهری پایدار، برداشت تحلیلی از دیدگاه جهانی، نشریه علمی پژوهشی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، سال 11، شماره 33.
- [23] جدایی، امیر و بهاری، مریم و جلیل پور، اقدام سینا، 1390، بررسی انطباق پذیری معیارهای توسعه پایدار در معماری کاشان نمونه موردی مسجد مدرسه آقا بزرگ کاشان، دومین همایش معماری پایدار.
- [24] سالمی، مریم و همزه‌ای، محمدرضا، 1390، سنجش پایداری اجتماعی زنان روستایی شهرستان سقز، مجله مطالعات زنان، شماره 1، صفحه 55-73.
- [25] رهنمایی، محمد تقی و اشرافی، یوسف، 1386، فضاهای عمومی شهر و نقش آن در شکل گیری جامعه مدنی، جغرافیا، سال پنجم، شماره 14، صفحه 23-45.
- [26] رضوانی، محمدرضا و مطیعی لنگرودی، سید حسن و پور طاهری، مهدی و عزیزی، فاطمه، ۱۳۹۴، مهاجر پذیری و توسعه پایدار اجتماعی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای مهاجرپذیر منطقه کلانشهری تهران) فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، سال پنجم، شماره ۱۹.
- [27] پورطاهی، مهدی و سجاسی قیداری، حمداله و صادقلو، طاهره، ۱۳۸۸، سنجش و الویت‌بندی اجتماعی در مناطق روستایی با استفاده از تکنیک رتبه بندی بر اساس تشابه حل ایده آل فازی (مطالعه موردی: دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان خدابنده)، مجله پژوهش های روستایی سال 1 شماره ۱-، صفحه ۱ تا ۳۱.
- [28] Coomer , 1999, quest for sustainable society, oxford, pergamon.
- [29] Colantonia , Andrea. 2009, Measuring socially sustain-able Urban Regeneration in Europe, oxford Institute for Sustainable Development (OISD).
- [30] DFID (Department for International Development.) 2002(Indicators for Socially Sustainable develop-ment.
- [31] Williams, k. (2000). Achieving Sustainable Urban Form: An Introduction. Landon: E& FN Spon.
- [32] Colantonia , A, and Dixon. T, (2009): Measuring Socially Sustainable, Urban Regeneration in Europe Measuring Socially Sustainable Urban Regeneration in Europe. 1-129.